



عبدالواسع غفاری

بخش پنجم

قانون و قانونیت در دوران ظاهرشاه

۱۹۳۳ - ۱۹۷۳ م (۱۳۱۲ - ۱۳۵۲ هه ش)

در بخش قبلی متذکر شدم که عدم حاکمیت قانون در دوره نادرشاه از مرحله جلوس بر تخت شاهی با زندانی نمودن و نابود کردن حامیان امان الله، آغاز و با تجاوز به حقوق افراد، اقوام و ملیتها ساکن در کشور ادامه یافت، ملیتها را علیه همدیگر تحریک و مرتکب جنایات متعدد گردید، بخصوص بخشهای مدنی و سیاسی زیر ضربات رژیم قرار گرفت و سرکوب گردید، یعنی اوج خفقان و فشار بر گروه های سیاسی و آزادیخواه کشور بود، از جمله ملیت هزاره و تاجک زیر ضربات نظام قرار گرفت، طور مثال: عده ای از سران ملیت هزاره به بهانه حمایت از امان الله خان محبوس و اعدام شدند. مردم کوچی راجهت ورود به مزارع و مناطق هزاره نشین تشویق کردند، منع استخدام فرزندان هزاره در پولیس، ارگان های مهم دولتی و مؤسسات تحصیلات عالی و عدم اعزام به بورسهای تحصیلی خارج جز سیاست دولت گردید. همان بود که روشنفکران کشور و فامیلهای متضررین، علیه رژیم بشکل فردی و گروهی قرار گرفتند و اقدام به مبارزات مخفی نمودند. از آنجمله عبدالخالق فرزند خداداد مسکونه ارزگان که پدر و مادرش در خانواده غلام نبی چرخ کار میکردند، بزرگ شده، با استفاده از امکانات دوره امانی مصروف تحصیل شد. موصوف درد ورنج، ظلم و جنایت رژیم را با گوشت و پوست احساس میکرد، تا آنکه بتاريخ ۱۶ عقرب سال ۱۳۱۲ هجری پلان خویش را عملی نمود.

بعد از کشتن نادرشاه، عبدالخالق با ۱۷ نفر و به روایت دیگری با ۲۱ نفر دستگیر گردیدند. و بعد از چهل روز شکنجه با سایر دستگیر شده گان که شامل اعضای خانواده، دوستان نزدیک و چند نفر از فعالین جامعه مدنی و معاون مکتب امانی بود، اعدام گردیدند. قبل از اینکه عبدالخالق به چوبه دار برسد، با برچه تفنگ پاره پاره کرده بودند. بعد از کشته شدن نادرشاه پسر جوان و بی تجربه اش محمد ظاهر را کاکاهایش در ظاهر امر به تخت پادشاهی جلوس دادند. اما دولت الی سالهای ۱۳۴۲ توسط کاکا هایش اداره میشد.

لذا دوران ظاهرشاه را از نظر رعایت قانون و قانونیت میتوان در دو مرحله مطالعه نمود:

۱ - دوران حکومت کاکاهایش الی سال ۱۳۴۲ هجری شمسی.

۲ - بعد از سال ۱۳۴۲ الی سقوط نظام شاهی.

در دوره اول سلطنت ظاهرشاه که دو کاکا و یک پسر کاکایش به اصطلاح صدراعظم بودند، اما آنان در اصل دولت را رهبری میکردند، رعایت قانون و قانونیت در جامعه، قوس نزولی را که از دوره نادرشاه به رهبری هاشم خان شروع شده بود، ادامه داده شد، اما شاه محمود خان تا حدودی جلو قانون شکنیها و مظالم را گرفت، مگر سردار محمد داود خان که تربیه شده دست هاشم خان بود مانع تحقق حقوق و آزادیهای اتباع کشور بخصوص روشنفکران جامعه گردید، ولی در جهت استحکام نظام (تقویه اردو)، بخشهای اقتصادی، انکشاف و رشد کشور تا حدودی تلاش ورزید.

نگاهی مختصر به دوره اول سلطنت ظاهرشاه (سه صدراعظم فامیل شاهی):

- **سردار محمد هاشم** اولین صدراعظم دوره ظاهرشاه مدت ۱۷ سال در پست نخست وزیری با انضباط و استبداد در حفظ سلطنت و حاکمیت دولت بالای مردم، اجرای وظیفه نمود. گرچه اصول اساسی دولت علیه افغانستان (قانون اساسی) در ۱۱۰ ماده، که حقوق پادشاه / حقوق عمومیه تبعه افغانستان / شورای ملی / وظایف و حقوق وزرا / حقوق مامورین / محاکم / امور مالیه / اداره ولایات / عسکر / و اصول متفرقه در آن تسجیل شده بود، بتاريخ هشتم عقرب ۱۳۱۰ (زمان نادرشاه) که در اصل، دولت را هاشم خان به کمک شاه وقت رهبری میکرد، مرعی الاجرا بود.

اصول اساسی متذکره در مواد ۹ الی ۲۶ آن (حقوق عمومیه تبعه افغانستان)، شامل: تعریف تبعه افغانستان / آزادی امور دینی و مذهبی / مصونیت افراد جامعه که بدون امر شرعی و اصولنامه توقیف و مجازات نمیگردند / تساوی حقوق مرد و زن طبق شریعت غرا و اصولنامه / استخدام عموم تبعه افغانستان نظر به قابلیت و اهلیت در امور دولت / مصونیت مسکن و مال / حتمی بودن تعلیمات ابتدائیه / آزادی مطبوعات / آزادی تجارت و صنعت / اخذ مالیه طبق اصولنامه و... بود.

پرنسیپهای حقوقی متذکره صرف جهت تغیر اذهان عامه و جهانیان درج کاغذ شده بود، اما در عمل هاشم خان اراده رفاع همه اتباع کشور را نداشت، و در تحقق اصولنامه ها یا قوانین ارزشی قایل نبود، بر عکس روحیه انتقام و ایجاد نفاق را در بین ملیت افغانستان، جهت بقای

نظام داشت، چنانچه بر اثر ظلم و استبداد موصوف نه تنها اتباع عادی جامعه متضرر گردیدند ، در خانواده سلطنتی نیز اختلافات بوجود آمد.

موصوف در دوران حکومت خویش مانع ایجاد جنبشهای روشنفکری گردیده و به شدت آنها را سرکوب نمود. در نخستین روزهای حکومتش در برچیدن افراد روشفکر و وطنپرست دوره امانیه اقدام نمود، ژورنالستان، محی الدین انیس مدیرمسئول روزنامه انیس، عبدالحی داوی مدیرمسئول روزنامه امان افغان و یکی از پیشتازان جنبش مشروطیت، عبدالرحمن لودین مشروطه خواه را با تعداد کثیر وطنپرستان دستگیر، و روانه زندان نمودند. محترم نصیرمهرین در بخش دوم مقاله تحت عنوان پادشاهی چهل ساله ظاهرشاه در ارتباط صدارت هاشم خان، کارهای انجام شده آن دوره مینویسد: ... در زمان صدارت او اصلاحاتی ایجاد شد، مانند سرکهایی که از قندهار تا هرات کشیده شد و سرک مشهور دره شکاری، همین

طور در برخی از ولایات. و از ولایات مختلف به کابل جاده های موثر و احداث گردید. در زمینه اقتصاد، تجارت، بانکداری و نظارت دولت بر امور را تاحدودی انجام داد و نقشی مهمی در امور اقتصاد کشور، تأسیس بانک ملی افغان بازی کرد. توافق صدراعظم با یکتن از سرمایه داران ملی به نام عبدالمجید خان زابلی، زمینه های ایجاد بانک و تعدادی از مؤسسات تجاری و تولیدی مانند فابریکات قند بغلان، نساجی پلخمری، شرکت سهامی پشتون در قندهار، شرکت سهامی نساجی، نساجی جبل السراج، شرکت وطن، فابریکه تیلکشی قندوز، فابریکه پشمینه بافی، فابریکه برق و ... را فراهم نمود.

در زمینه تأسیس مکاتب و ارتقاع معارف نظر به ضرورت آن زمان توجه لازم صورت نه گرفت، طبق ارقام ارائه شده توسط محترم نصیرمهرین: در سال ۱۳۱۲ افغانستان دارای ۱۶۵ معلم، ۳۷۰ باب مکتب ذکور، ۴۵۹۱ متعلم بود. در سال ۱۳۲۵ به ۲۶۷۷ معلم، ۳۳۹ مکتب و ۹۳۳۴۴ متعلم ارتقاء نمود.

حکومت هاشم خان به ایجاد مکاتب دخترانه نظر مساعد نداشت. امامحاصلین ذکور را به کشورهای اروپایی، امریکا و ترکیه جهت فراگیری رشته های مختلف فرستاد. فاکولته طب کابل که در سال ۱۳۱۱ تأسیس شد، در واقع نخستین هسته پوهنتون کابل بود، که به تدریج با تأسیس فاکولته ادبیات، و سایر فاکولته ها در آینده شکل گرفت. فاکولته حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۱۷ تأسیس گردید. تعلیمات نامه و صورت قبولی محصلین آن به فرمان شخص صدراعظم منظور میگردد.

از نتایج تحقیق و بررسیهای محققین و نویسندگان برمیآید که دوره حکومت هاشم خان، مملو از اختناق، وحشت، ظلم و ستم، بیرحمی و نقض کرامت بشری در تاریخ کشور ما بود.

- شاه محمود خان توسط ظاهر شاه با وادار ساختن محمد هاشم خان به استعفا، بمقام صدارت تعیین گردید. میرمحمد صدیق فرهنگ مینویسد: صدراعظم هاشم خان حاضر به استعفا نبود، اما استعفا بر او تحمیل گردید، طوریکه افراد اردو اطراف صدارت را محاصر کردند، و نامه شاه را در نیمه شب به او فرستاده شد. هاشم خان مجبور شد تا برادرش شاه محمود خان را به عوضش بپذیرد.

زمان صدارت شاه محمود خان نسبت به زمان صدارت هاشم خان نسبتاً خوب بود و در زمینه رعایت حقوق و آزادیهای مردم تاحدودی توجه شد، انعطاف پذیری سیاست ملایمت دولت در مقابل مردم دیده میشود. برخی آگاهان پنج سال اول صدارت شاه محمود خان را

یک دوره خوبی زمامداری ظاهر شاه میدانند، بدلیل اینکه زمینه رشد و تقویت دموکراسی فراهم نمود. به این لحاظ، آگاهان شاه محمود خان رابخاطر رعایت اصل دموکراسی، نشرات آزاد و مستقل توسط اشخاص و محافل مختلف و شخصیت‌های مشروطه خواه که سوابق مبارزه و ناسازگاری بانظام استبدادی گذشته داشتند، مانع فعالیت شان نگردید. در این دوره جراید آزاد ندای خلق، وطن و ولس نیز اقبال نشر یافتند.

درابتداء صدارت شاه محمود خان یکتعداد مردم نسبت مظالم هاشم خان، نارضایتی شان را با براه انداختن تظاهرات ابراز داشتند، بعضی آنان قیام نمودند. از جمله ابراهیم گاو سوار در هزاره جات، سید اسماعیل بلخی، خواجه محمد نعیم و تعداد دیگر، دولت آنان را زندانی ساخت. طبق ادعای برخی تحلیلگران تاریخ، شاه محمود بعد از اینکه به صدارت گماشته شد، از سران اقوام تاجیک، هزاره، ازبیک و قزلباش، نسبت ظلمی که در دوره گذشته علیه شان صورت گرفت بود، عفو خواست.

شاه محمود خان در زمینه ارتقاء سطح دانش، رشد اقتصاد بصورت کارهای را انجام داد. اکرام اندیشمندان در اثر تحقیقی معارف عصری افغانستان مینویسد که (رویهمرفته پس از جنگ جهانی دوم و در دوران صدارت سردار شاه محمود، معارف افغانستان در عرصه های مختلف تعلیمات نسوان، تعلیمات عالی و تعلیمات مسلکی متحول گردید). چندین مکتب جدید تأسیس شد. پس از تأمین ارتباط بایونسکو و مشوره با آن مؤسسه، مؤسسات تربیه معلم و چندین مکتب دهاتی احداث گردید، در پوهنتون (دانشگاه) کابل از یکطرف فاکولته های جدید ایجاد گردید و از جانب دیگر دختران بیشتر توانستند به دانشگاه ها راه بیابند. دختران در آغاز به صورت جداگانه تدریس میکردند. در سال ۱۹۶۰ دختران و پسران مشترکاً مصروف تحصیل گردیدند. همچنان لیسه های رابعه بلخی، ملالی و زرغونه و چندین مکتب دیگر بنام های مستوره غوری، محجوبه هروی، ستاره و ناز و انا در کابل برای دختران تأسیس گردید. بهمین شکل در تأمین روابط سیاسی با کشورهای مختلف موفق شد. با آنکه در آنزمان امریکا با افغانستان روابط چندان خوب نداشت، توانست تاحدودی کمکهای مالی در جهت اکتشاف و رشد کشور بدست آورد از جمله میتوان از کمکهای مالی و اعمار پروژه هلمند یاد آورد. افغانستان در آن دوره عضویت ملل متحد را حاصل نمود. روابط با شوروی بهتر شد و چند قرارداد در زمینه رشد و انکشاف کشور با اتحاد شوروی عقد گردید.

- **سردار محمد داود خان** در سپتامبر سال ۱۹۵۳ میلادی با استعفای شاه محمود خان مقام صدارت را به عهده گرفت.

محترم عبدالله شادان بتاريخ ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۱ از طریق رادیو بی بی سی ضمن تبصره (صدارت داود خان و بازگشت محدودیت و سانسور) بیان داشت که : در آن زمان جنگ سرد بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در حال تشدید بود. امریکا سعی داشت با ایجاد پیمانهای نظامی، اتحاد شوروی را که تازه از انزوای استالینی بیرون شده بود، محاصره کند و جلو پیشروی آن را بگیرد.

افغانستان مانند سایر کشورهای کوچک باید مناسبات بین المللی خود را با توجه به جنگ سرد، تعیین میکرد و این در حالی بود که مرزهای تحمیل شده استعماری در بسیاری از مناطق آسیا و خاور میانه و از جمله در افغانستان مورد سوال قرار گرفته بود.

در افغانستان، حکومت جدید آزادی های محدود دموکراتیک را از مردم پس گرفت. آزادی مطبوعات سلب شده، جراید آزاد و مطبوعه های خصوصی که در واقع ماشینهای گسترتر بودند مصادره گردید، حکومت دوباره در انتخابات شورا مداخله کرد و شماری از روشنفکران و ژورنالیست های آزادیخواه به زندان افتادند.

داوود خان هدف خویش را توسعه اقتصادی و تشکیل پشتونستان آزاد قرارداد.

محترم عبدالحمید مبارز بعد از رهائی زندان حکومت محمد داوود چنین گفت :

(من بعد از آنکه از زندان رها شدم، فرصتی پیدا شد و سردار محمد داوود خان مرا احضار کرد، ضمن صحبت بر این شکل گفت که: «برادر، شما در هر نقطه افغانستان که بروید کسی سخن شما را قبول نمیکند و اگر یک ملا برود، گپ او را قبول میکنند، بناء شما اول بگذارید که کشور توسعه اقتصادی بیاید، یک روشنی در مملکت بیاید، بعد از آن پروگرام تا آن روی دست بگیرید.» ...)

محمد داوود خان منطق ذیل را در جهت سلب آزادی بیان و لغو قانون مطبوعات دوره شاه محمود خان داشت. و از طریق ریاست مستقل مطبوعات، نظارت و سانسور بر مطبوعات را میکرد. دولت، نشرات دولتی را جهت ارائه معلومات و روشن ساختن اذهان مردم از پالیسیهای و اهداف دولت، گسترش داد، جراید و روزنامه های متعدد دولتی به نشرات آغاز نمود. نخستین بار شعبه ژورنالیسم در دانشگاه کابل تاسیس شد.

یک تعداد از تحلیلگران معتقدند حکومت محمد داوود در جهت رعایت حقوق و آزادی زنان، از جمله رفع حجاب با تدبیر و کاردانی، کار موفقانه انجام داد، رفع حجاب مشارکت بیشتر زنان در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سپس سیاسی را در پی داشت. چنانچه زنان مبارز کشور در جهت تنویر زنان کشور بخاطر حصول حقوق و آزادیهای شان مانند: خانم رقیه ابوبکر، خانم کبرا نورزائی، انیتا راتب زاد، حمیرا نورزایی، معصومه وردک، نفیسه عباسی، شفیقه کبیرسراج، رؤفه احراری و سایر زنان بادرک و احساس وطن در آن زمان قابل تقدیر می باشد. همچنان تقویت و گسترش فعالیت موسسه نسوان (میرمنو تولنه) و ارگان نشراتی آن، زمینه فعالیت زنان پیشتاز را در کشور مهیا نمود، چنانچه موسسه و نشرات آن نقش ارزشمندی را در آگاهی زنان از حقوق، آزادی و مسئولیتهای شان ایفا کرد. به همین منوال سایر نشرات در مرکز و ولایات کشور.

قرار نشرات جریده رسمی وزارت عدلیه طی **مرحله اول** دوران زمامداری ظاهر شاه که رهبری دولت بالترتیب کاکاهایش و پسر کاکایش به عهده داشتند قوانین متعدد (اصولنامه) را جهت ایجاد ادارات، رشد، انکشاف، ثبات و نظم در بخشهای مختلف جامعه تصویب نمودند که در ۱۴۳ شماره جریده رسمی جهت معلومات هموطنانما به نشر رسید.

لذا نمیتوان از فعالیتهای نظام در جهت تقویت نسبی اقتصادی، ارتقاء سطح دانش، آزادی نسبی مطبوعات بصورت مقطعی، آزادی نسبی زنان، امنیت نسبی در مرکز و ولایات کشور

چشم پوشی نمود.

اختلافات داخل خانواده سلطنتی وبه ویژه مخالفت سردار شاه ولی خان کاکا و سردار ولی پسر کاکایش با محمد داوود، سرانجام در ماه حوت/اسفند ۱۳۴۲ خورشیدی استعفا کرد و با کنار رفتن او، دورتازه ای در حیات سیاسی افغانستان آغاز گردید.

دوره دوم زمامداری ظاهر شاه که ده سال و چند ماه ادامه یافت، با نظر داشت دلایل ذیل دولتمردان ناگزیر رعایت آزادی، دموکراسی و تحقق قانون را قبول نموده، و اراده خویش را در زمینه ابراز دارند. چنانچه عوامل:

- خارجی (مبارزات آزادی خواهی در اکثر کشورهای تحت مستعمره، نیمه مستعمره، ترویج افکار ناسیونالیستی و سوسیالیستی، سقوط دولتهای مطلقه و سایر افکار سیاسی).

- داخلی از جمله (ایجاد احزاب و تشکل سازمان های مختلف سیاسی و مبارزات منسجم و پراکنده آنان)، سبب شد تا مردم از زمامداران افغانستان، مانند سایر کشورها تا حدودی حقوق و آزادی سلب شده شانرا حصول و مستفید گردند. از جمله آزادیهای بیان، مطبوعات، تاسیس احزاب و... که در قانون اساسی ۱۳۴۳ تسجیل گردید. بار دیگر جراید آزاد و غیر دولتی در مرکز و ولایات به نشرات اقدام نمود.

اکثر مورخین نقش ظاهر شاه را در دهه دموکراسی برجسته می دانند.

میر محمد صدیق فرهنگ مورخ افغان بدین عقیده بود که در نتیجه اختناق آن دوره، جوانانیکه از امکان مبارزه قانونی مایوس شده بودند به فعالیت زیرزمینی رو آوردند، و سلطنت از این فعالیتها در هراس گردید.

اعظم رهنورد زریاب روزنامه نگار و نویسنده مشهور کشور، دوره های آزادی نسبی در افغانستان را به چهار دوره تقسیم کرد:- دوره ی امانی (شاه امان الله) - دوره نخست وزیری شاه محمود خان. - دوره دوره دهه قانون اساسی و دوره ریاست جمهوری دکتور نجیب الله. اما اوبه این باور است که در این دوره ها آزادی های نسبی در اثر فشار از پائین نبوده، بلکه دولت به دلایل سیاسی، فضا را کمی باز کرده.

قانون اساسی سال ۱۳۴۳ نقش اساسی مهم در ایجاد دموکراسی نسبی و تحقق قانون در جامعه داشت:

بتاریخ ۱۱ حوت ۱۳۴۱ مطابق سوم مارچ ۱۹۶۲ م ظاهر شاه، داکتر محمد یوسف را به حیث صدر اعظم تعیین نمود. با این اقدام، خود را از حصار خانواده بیرون کرد. کابینه داکتر محمد یوسف مرکب از شخصیتهای تحصیل کرده و با نفوذ بود، و پس از معرفی کابینه، مهمترین اقدام تاریخی داکتر یوسف، تعیین هیأت هفت نفری جهت تهیه طرح مسوده قانون اساسی جدید کشور، در ماه حمل ۱۳۴۲ بود. که اولین جلسه کمیته کار تسوید قانون بتاریخ ۱۱ حمل همان سال، با همکاری کارشناس و حقوقدان فرانسوی به نام (لوی فوزیر) در وزارت عدلیه دایر گردید، بعد از جر و بحث فراوان، طرح متذکره تهیه، و به کمیته مربوطه

سپرده شد. سرانجام لویه جرگه بتاريخ ۱۸ سنبله ۱۳۴۳ در عمارت سلام خانه ارگ دایر، وپس از ده روز مباحثه علنی و تصیح بعضی مواد آن، بتاريخ ۲۹ سنبله ۱۳۴۳ ذریعه ۴۵۴ نفر اعضای لویه جرگه به تصویب، و به تاریخ ۹ میزان ۱۳۴۳ توسط ظاهر شاه توشیح، و رسماً به مرحله اجرا گذاشته شد.

طبق قانون اساسی جدید، رژیم دولت افغانستان شاهی مشروطه اعلان گردید، و تعریفی از ملت افغان (تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارد افغان نامیده میشود). ارائه گردیده، شعایر دینی از طرف دولت طبق مذهب حنفی دین اسلام، شکل رسمی را بخود گرفت. طبق ماده دوم قانون متذکره آزادی سایر ادیان تضمین گردید. وظایف و صلاحیتهای وسیع شاه در پانزده ماده توضیح گردید، و علاوتاً شاه غیرمسئول و واجب الاحترام دانسته شد. با اینکه حقوق فامیل شاه مادام العمر تضمین گردید. برای اولین مرتبه در قانون اساسی افغانستان تسجیل گردید که اعضای خاندان شاهی نمیتوانند شامل احزاب سیاسی گردند. و در پستهای صدارت، وزارت، عضویت شورا و عضویت ستره محکمه تقرر حاصل نماید.

در فصل سوم حقوق و آزادی مردم پیشبینی شده که بصورت مختصر عبارت انداز: تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون، حقوق و وظایف مساوی دارند. آزادی حق طبیعی انسان است این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت مکلف به می‌گردد حدودی ندارد. احترام، حمایت آزادی و کرامت انسان میباشد. هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب عمل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. هیچ کس را نمیتوان تعقیب یا گرفتار نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچکس را نمیتوان توقیف نمود، مگر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون. برائت الذمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه، محکوم علیه قرار بگیرد بیگناه شناخته نمیشود. جرم يك امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا او به شخص دیگری سرایت نمیکند. تعذیب انسان جواز ندارد، هیچکس نمیتواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری اگر آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد. اظهاری که از متهم یا شخص دیگر بوسیله اکراه گرفته شود اعتبار ندارد. اعتراف به جرم عبارت است از اعترافی که متهم به رضای کامل در حالت صحت عقل به ارتکاب جرمی که قانوناً به او نسبت داده شده در حضور محکمه با صلاحیت می‌نماید. هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانوناً به او متوجه شده وکیل مدافع تعیین کند مدیون بودن يك شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون شده نمیتواند. / طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می‌گردد. هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است و همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و عودت کند. هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمیشود.

ماده ۲۷: هیچ افغان به علت اتهام به يك جرم به دولت خارجی سپرده نمی‌شود. در مواد ۲۸ الی ۳۱ آزادیهای مسکن، ملکیت، مخابرات و مراسلات، بیان تضمین شده بود. - قوه مقننه در دو مجلس که بنام ولسی جرگه و مشرانو جرگه، تعریف صلاحیت، وظایف و ارتباط قوای با سایر ارگانها و حالات انحلال شورای که از صلاحیت شاه دانسته شده بود در مواد ۴۰ الی ۷۷ قانون تسجیل گردید.

- تشکیل، طرز فعالیت و صلاحیتهای لویه جرگه در مواد ۷۸ الی ۸۴ قانون اساسی، و در مواد ۸۵ الی ۸۹ قانون طرز تشکیل و صلاحیتهای حکومت توضیح شد.

- قوه قضائیه منحیث یک رکن مستقل دولت شناخته شده، ستره محکمه در راس قوه قضائیه قرار گرفت که اعضای و رئیس آن از طرف شاه با نظر داشت شرایط که در قانون پیشینی شده، تعیین میگردید. تشکیلات، صلاحیت و وظایف محاکم مرکز و ولایات کشور طبق مواد ۹۷ الی ۱۰۷ قانون پیشینی شد. به همین شکل در فصول هشتم الی یازدهم، اداره، حالت اضطرار، تعدیل و احکام انتقالی از مواد ۱۰۸ الی ۱۲۸ قانون اساسی توضیح گردیده بود.

دوره دوم حکومت ظاهر شاه را با نظر داشت تصویب و تطبیق نسبی قانون اساسی، ایجاد سازمان های مختلف سیاسی، نقش ارگان مقننه در تصویب قوانین و نظارت بر عملکرد حکومت، رعایت نسبی آزادی بیان و موجودیت امنیت در کشور را بنام دهه دموکراسی یاد مینمایند.

در جنب قانون اساسی، تصویب قانون مطبوعات سال ۱۳۴۴ نقش عمده در ایجاد دموکراسی داشت، و طبق ماده اول آن: آزادی فکری و بیان بموجب حکم ماده ۳۱ قانون اساسی افغانستان از تعرض مصئون است. بمنظور تطبیق حکم ماده مذکور و با رعایت دیگر ارزشهای مندرج قانون اساسی، احکام این قانون و طرز استفاده از حق آزادی مطبوعات را برای اتباع افغانستان تنظیم کرد. به تعقیب آن در فقره اول اهداف قانون چنین توضیح شده که: فراهم کردن زمینه مناسبی که بروی آن همه افغانها بتوانند فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و امثال آن اظهار کنند و مطالب را به طبع و نشر برسانند.

لذا توسعه مطابع و افزایش در تعداد جراید در دهه دموکراسی، سبب گردید، که تحجر فکری و تحجر سیاسی که در کشور استیلا داشت، محدود گردد و ارزشهای جدیدی بمیان آمد. سازمانهای متعدد چپ، چپ افراطی، ناسیونالیستی، راست، مذهبی و فوندامینتالیست مذهبی ایجاد و به فعالیتهای سازمانی خویش شامل نشرات، براه اندازی اعتصابات، تظاهرات گسترده، در جهت توضیح و تحقق اهداف خویش، اقدام نمودند. با آنکه بعضاً تلفات و سکتگی ها در امور تحصیلی و کارهای روزمره جامعه بوجود، اما نقش خویش را در تنویر افراد جامعه و اشاعه دموکراسی داشت. چنانچه تاریخ سوم عقرب ۱۳۴۴ یکی از روزهای مبارزات روشنفکران افغان در جهت تحقق آزادی و دموکراسی افغانستان میباشد که ثبت تاریخ کشور ما گردید.

بعد از حادثه سوم عقرب جهت بهتر شدن وضع در کشور بخصوص شهر کابل، شاه حکومت جدید را تحت ریاست محمد هاشم میوندوال توظیف نمود. صدر اعظم جهت دلجوئی محصلین بلاد رنگ به پوهنتون رفت و در عزای شهدای سوم عقرب شرکت کرد، و مورد استقبال محصلین قرار گرفت، اعتصابات خاموش شد. میوندوال با اقدام دیگر افراد تحت نظارت رارها نمود، فضائی پر آشوب کشور شکل عادی را بخود گرفت.

بالترتیب محترمان نور محمد اعتمادی، داکتر محمد ظاهر و موسی شفیق موظف به تشکیل حکومت گردیدند و وظایف خویش را در جو سیاسی جنگ سرد، معضلات اقتصادی، خشکسالیهای متواتر، عدم همکاری مثبت میان قوای ثلاثه که بعضاً باعث بروز معضلات و عدم نظارت از اجراءات حکومت و رعایت دقیق قانون میگردد، انجام دادند.

نظریه دلایل فوق نمیتوان از رعایت و تحقق کامل قانون و قانونیت در دوره دوم نظام شاهی ظاهر شاه یاد آور شد، با آنکه طی دور دوم، قوانین، فرامین، قراردادهای بین المللی و سایر مطالب حقوقی مفید در جهت ایجاد نظام، تنظیم ادارات، رشد و انکشاف جامعه و غیره امور از مراجع حقوقی تصویب و صادر گردید و در ۲۴۲ شماره جراید رسمی ارگان نشراتی وزارت عدلیه نشر گردید، اما نواقص و عدم موفقیتها دامنگیر جامعه بود. یکی از دلایل عدم موفقیتها دوره دوم حکومت ظاهر شاه، عدم توشیح قانون احزاب سیاسی، قانون شوراهای ولایات و لایحه شورای شهری و بلدییه ها بود که توسط پارلمان تصویب شده بود، میباشد.

رعایت و تطبیق آن اسناد تقنینی میتواندست به شکل احزاب قانونی و شرکت آنان در پارلمان، تقویه نظام پارلمانی و رعایت نظم و انضباط در جامعه گردد. همچنان زمینه اشتراک اکثریت مردم را در بخشهای مختلف جامعه مهیا میساخت. اما سلطنت از نیرومند شدن سازمان های چپی هراس داشت. گرچه در عمل احزاب چپ، راست و میانه وجود داشت.

همچنان تطبیق قانون شوراهای ولایتی به قانون اساسی وزنه و وجاهت بیشتر میبخشید، زیرا طبق فقره اول ماده ۴۵ قانون اساسی، شوراهای ولایتی یک نفر از اعضای خود را برای سه سال به مجلس سنا انتخاب مینمود، اما یک ثلث مجلس سنا از ۲۸ ولایت کشور در مجلس کمبود، بود. لذا قانونیت تصامیم مجلس سنا یا اعیان زیر سوال میباشد.

افغانستان که از جمله کشورهای کم انکشاف و تا حدودی فقیر، نسبت عدم انکشاف به حساب میروند، مشکلات اقتصادی همیشه دامنگیر آن بود و میباشد. و بدون کمکهای اقتصادی خارجی الی انکشاف کشور، هموطنانما در وضع رقتبار بسر میبرند.

طی سالهای دور دوم زمامداری ظاهر شاه بر علاوه محدود شدن کمکهای اقتصادی، با اكمال تعداد پروژه های زیربنایی، منابع محدود عواید، بخصوص ازدیاد قاچاق و فساد اداری که اثرات منفی بر عواید گمرکی (منبع عمده عاید دولت بود) داشت، محدود شدن محصولات زراعتی و تولیدات مالداری، نسبت خشکسالیهای متواتر برای هموطنانما و

دولت فاجعه بار بود، فرا رسیدن موعد بازپرداخت قرضه های خارجی و عوامل دیگر بر معضلات اقتصادی افغانستان اثرات منفی بیشتر نمود.

شاه امیدوار بود که موسی شفیق جوان تحصیل کرده که یک دهه به حیث مشاور وزارت خارجه، سفیر افغانستان در مصر، وزیر خارجه در کابینه داکتر ظاهر ایفای وظیفه نمود، میتواند در رفع مشکلات فوق از جمله ایجاد روابط کاری مثبت میان قوای ثلاثه مفید واقع شود.

موسی شفیق توانست تاحدودی روابط میان قوای ثلاثه را بهتر سازد، چندین سند با اهمیت تقنینی را به تصویب رسانید. از جمله قانون جدید خدمات ملکی، چندین موافقتنامه دریافت قروض خارجی، ایجاد دفتر روابط پارلمانی، ملاقات با وکلای در جهت رفع معضلات مردم و جامعه، روابط با مطبوعات آزاد، نشر مصاحبه اعضای کابینه و نتایج جلسات هفتگی کابینه، تادیه فیصد قابل مصارف چاپ روزنامه ها و جراید را. همچنان موسی شفیق توانست افزایش در صادرات کشور، ارائه جواب مثبت به تاسیس دو صد در موسسات صنعتی، که از جمله هشتاد و دو آن تصویب و بفعالییت آغاز نمودند. اعمار و افتتاح پارک صنعتی کابل به کمک کشور هند. تاسیس بانک انکشاف صنعتی و... توجه در جهت ارتقای اقتصاد کشور بود.

بناءً دوره دوم زمامداری ظاهر شاه را نظریه حکومات قبلی با استثنائی دوره امانی، میتوان بصورت نسبی در جهت رعایت حقوق و آزادیهای مردم، امنیت کشور، تصویب قوانین در جهت رشد نسبی کشور و تطبیق قانون مثبت ارزیابی کرد.